**مکاتبات ناصرالدین شاه**

**فرزانه پور، غلامرضا**

جناب صدر اعظم-کاغذی که مهر کرده فرستاده بودیم،ملاحظه شد،بسیار منافات داشت این‏ کاغذ شما با شرحی که یکساعت قبل از این شما و سایرین مهر کرده و تفاصیل نوشته بودید،بعلت‏ اینکه در این کاغذ ترضیه‏ها را قبول کرده‏اید.امضاء

IV

جناب صدر اعظم نوشته جات 15(؟)رسید،فردا انشاء اللّه باید خوانده‏1شود.کاغذ بی‏معنی‏ طمسون‏2هم ملاحظه شد،اولا از تکالیف او یکی نباید قبول شود،ثانیا:از این رفتار و معامله‏ای‏ که پیش گرفته بالمره باید دست بر دارد که هرگز قبول نخواهد شد.

کتابچهء اسکناس رسید،سال نو بقدر دویست هزار تومان می‏توان از این بابت انشاء اللّه تعالی‏ بخزانه گذاشت.تفصیل را بشما حالی میکنم.

V

جناب صدر اعظم-آقا محمد حسن را بخواهید،باو بگویید هر قدر که پول در خزانه هست، هر وقت شما بخواهید برای مخارج،همان ساعت درآورده بدهد،تا پول هست بدهد.همین که‏ تمام شد،املاک خالصه را گرو بگذارید،دریای نور را گرو بگذارید؛پول خزانه را خدا تمام کرده‏ است،من تمام نکرده‏ام.وقتی که ما پادشاه شدیم یک کرور در خزانه بود بعد دویستی از آن به خرج‏ سالار3رفت ما هم سالی حد(؟)میگذاشتیم آن هم بقرض،که بخرج میرفت،اکثر سالها هم‏ نگذاشتم آن حد را؛من چه بکنم،کثافت نجاست ایران را بگردن ما نداختند رفتند،کاش بکسی‏ دیگر میدادند و بمن نمیرسید.والسلام،عجالتا چاپار اسلامبول را هم امروز البته روانه کنید؛ استخاره کردید یا نه.

...حکما باید عیسی خان‏4را با آنچه مفسد شریر دارد آورد طهران،بلکه در عرض راه‏ بدرک واصل گردد.اگر بخواهد تخلیه کنید و الا فلا.

...الدوله خان آدمی است که هر وقت بعذر این ما بخواهیم بهرات و افغانستان برویم بی‏ گفتگو دروازه وا میکنید،اگر بخواهید تخلیه کنید بآدمی باید داد که زندگی خود را از ما بداند و امید بجایی نداشته باشد که هر وقت باز ضرورت بشود چند فوجی برود مانع نشده راه بدهد و الا پناه بر خدا از عیسی خان.عیسی خان وقتی چنین است که مثل حالا بیست هزار قشون ما آنجا باشد.

باری فرخ خان‏5خسارت بعکس دارد،از این مرحله تا قیامت خواهم سوخت،خدا انشاء اللّه‏ 1-در اصل:خانده.

2-طمسون:وزیر مختار انگلیس در تهران.

3-اشاره‏ است به فتنهء سالار در خراسان.سالار پسر آصف الدوله بود که در خراسان طغیان کرد و خیال داشت آن‏ سامان را مستقل و جدا از ایران کند.

4-این کلمه را میتوان علیمی خان نیز خواند.

5-وی‏ سفیر ایران در پاریس و لندن بوده است.

مثل شما نوکری را برای ما نگاه دارد و آسمان برین هم حسد نبرد.اگر خدا بخواهد انگلیس را، مرد نباشم اگر از کلکته ندوانم بسلامتی شما.و اللّه امشب بمن تکلیف کنید سرداری؛قبول میکنم‏ و این‏ها را بآب میریزم و تشخصات لورد کلیف اسلامبولی را نمی‏پذیرم که بمن تحکم بکند.

VII

جناب صدر اعظم-حرف زنانه در میان نبود و هرگز نخواهد بود.زنانه یعنی چه!شما از این جهت‏ بالمره خاطر جمع باشید البته له له من،له له جمع اولاد من شما هستید،تا شما هستید و بعد از شما اولاد شما،اینها چه خیالی است میکنید.همین است که نوشته‏اید،انشاء اللّه سالها له له‏گی و وزارت کل را بکنید و هرگز ناخوش نشوید.منظور من این بود که فی نفسه مراقب امیر باشید،چون‏ صاحب منصب است مثل فلان پسر بی‏منصب بی‏عظم نباشد،چون مراقبت شما باعث عظم اوست. الحمد للّه بخت شما از جمع نوکران پادشاهان بیشتر است.هرگز از بخت خودتان شاکی نباشید دست بسته بافتضاح تمام روانه دارد،دولت روس چه امن دارد میتواند او را حفظ کند،نوکر مرا چطور می‏تواند نگاه دارد.آن پسره بسیار بسیار پسرهء ناپاک هرزه است.این دفعه که طهران آمد دیگر ابدا او را روانهء دول خارجه نکن.

VIII

جناب صدر اعظم-میرزا صادق از خراسان خیلی بد نوشته بود حرف حالا در شاهزاده نیست، لیکن وزیر بسیار بسیار مستقلی لازم دارد و سرکردهء خوب.یک روز اگر اوقات صرف کنید تمام میکنید و این وزیر با استقلال فرستادن پیش از سفر سلطانیه بسیار بسیار لازم است.گاه است در سلطانیه‏ بطول انجامید.آدم با قوه صرفه است که بگذارد صفحات خراسان مغشوش شود.البته لازم است‏ وزیر مستقل،و پیش از سفر برود.امضاء.

XI

جناب صدر اعظم-عریضهء شما را،از تعداد کارهای لازمه مستحضر شدم.انشاء اللّه امیدوار هستم‏ بزودی همهء اینها را بخواست خداوند عالم تمام کنید،کاغذ میرزا ملکم را دیدم،انشاء اللّه خدا بشما قوت و قدرت بدهد،با سلامتی من و شما همهء کارها انشاء اللّه بطور دلخواه می‏گذرد.دل قوی دارید و ابدا از میدان در نروید اصلاح آن بسیار خوب،تا ممکن است ایستاده‏ایم،البته اگر خداوند عالم ما را بکشد بهتر از این که خفیف و با ننگ راه برویم،همین قدر دل ما میخواهد که شما انشاء اللّه‏ کسل نشوید و با قوت قلب کار کنید،همهء این نقلها بآسانی میگذرد.البته تواریخ خوانده‏اید1که‏ امر پادشاه و مملکت بوده است که مدت العمر آسوده گذران کند و بهیچوجه بزحمت و مرارت نیفتد. البته زحمت و راحت هر دو را خداوند عالم خلق فرموده‏اند هر دو را باید چشید،از زحمت ناشکری‏ نباید کرد و از راحت تکبر و غلو.والسلام.

1-کین:کاین،که این خواند.

2-خاننده‏اید.